



Res. article

A Corpus-based Investigation of the Words Used in the Representation of Offender, Victim, and Crime in Iranian Press based on Critical Stylistics Framework

Yaghoub Shahriari¹, Amirsaeid Moloodi^{2✉}, Mehrzad Mansouri³

1- Ph.D. Student of Linguistics, Department of Foreign Languages and Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Iran. 2- Assistant Professor, Department of Foreign Languages and Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Iran. 3- Associate Professor, Department of Foreign Languages and Linguistics, Faculty of Literature and Humanities, Shiraz University, Iran.

Received: 2019/01/09

Accepted: 2020/07/01

Abstract

The present study has investigated the ideological structure of the Iranian newspapers in terms of the words used in representing the offenders, the victims, and the crimes in the framework of critical stylistics (Jeffries, 2010). To this end, based on a systematic random sampling, the crime-related texts were collected from six most widely published newspapers as Keyhan, Ettelaat, Resalat, Javan, Aftab, and Shargh from May 2016 to June 2017. Then, 50 issues of each newspaper were randomly selected and a one million-word corpus was developed and analyzed by AntConc software. The findings indicated that among 81 words used in crime representation, the crimes against individuals had the highest frequency with 33% and moral crimes with 1.5% were the least frequent. Also, the analyses of 108 extracted target words representing the offender and 76 extracted target words representing the victims showed that representing offenders and victims were based on age, gender, family relationships, occupation and social role, role in crime, as well as depersonalized representation. The representation of the offenders has been carried out most frequently in terms of the role in committing the crime with 62% and least frequently based on age with 4%. The representation of the victims has been done most frequently based on gender with 31.5% and least frequently in terms of occupation with 4%.

Keywords: linguistic representation, crime, Iranian Press, Critical Stylistics, corpus-based.

Citation: Shahriari¹, Y., Moloodi, A., Mansouri, M. (2020). A Corpus-based Investigation of the Words Used in the Representation of Offender, Victim, and Crime in Iranian Press based on Critical Stylistics Framework. *Journal of Western Iranian Languages and Dialects*, 8 (28), 61-79. (In Persian)





بررسی پیکره‌بنیاد کلمات به‌کاررفته در بازنمایی مجرم، قربانی و جرم در مطبوعات ایران براساس چارچوب سبک‌شناسی انتقادی

یعقوب شهریاری^۱، امیرسعید مولودی^۲✉، مهرزاد منصوری^۳

۱- دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، ایران. ۲- استادیار گروه زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، ایران. ۳- دانشیار گروه زبان‌های خارجی و زبان‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شیراز، ایران.

دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۰

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷

چکیده

پژوهش حاضر ساختار ایدئولوژیک روزنامه‌های ایران را به‌لحاظ واژه‌های به‌کاررفته در بازنمایی زبانی مجرم، قربانی و جرم در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی جفریز (۲۰۱۰) بررسی پیکره‌بنیاد کرده است. بدین‌منظور، متون مربوط به جرائم در شش روزنامه کثیرالانتشار کیهان، اطلاعات، رسالت، جوان، آفتاب و شرق در بازه زمانی یک‌ساله از خرداد (۱۳۹۵) تا خرداد (۱۳۹۶)، به‌صورت نمونه‌گیری پنجاه شماره از هر روزنامه به‌طور تصادفی نظام‌مند جمع‌آوری و پیکره‌ای یک میلیون کلمه‌ای تنها شامل مطالب مرتبط با جرم ایجاد و با نرم‌افزار انت‌کانک بررسی شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که از (۸۱) عنوان جرم بازنمایی شده، جرائم علیه اشخاص با (۳۳٪) بیشترین فراوانی و جرائم اخلاقی با (۱۱/۵٪) کمترین فراوانی را دارند؛ همچنین با توجه به استخراج (۱۰۸) کلمه هدف به‌کاررفته در بازنمایی مجرمین و (۷۶) کلمه هدف به‌کاررفته در بازنمایی قربانیان می‌توان گفت که بازنمایی مجرمین و قربانیان براساس سن، جنسیت، روابط فامیلی، شغل و نقش اجتماعی، نقش در جرم و همچنین بازنمایی فاقد شخصیت صورت پذیرفته؛ بازنمایی مجرمین بیشتر برحسب نقش در جرم ارتكابی با (۶۲٪) و کمتر برحسب سن با (۴٪) انجام شده و بازنمایی قربانیان بیشتر برحسب جنسیت با (۳۱/۵٪) و کمتر برحسب شغل با (۴٪) صورت پذیرفته است.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی زبانی، جرم، مطبوعات ایران، سبک‌شناسی انتقادی، پیکره‌بنیاد.

استناد: شهریاری، یعقوب؛ مولودی، امیرسعید، منصوری، مهرزاد (۱۳۹۹). بررسی پیکره‌بنیاد کلمات به‌کاررفته در بازنمایی مجرم، قربانی و جرم در مطبوعات ایران براساس چارچوب سبک‌شناسی انتقادی. *فصلنامه مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران*، ۸ (۲۹)، ۶۱-۷۹.

۱- مقدمه

تاکنون تمرکز پژوهش‌های فارسی انجام‌شده دربارهٔ بازنمایی جرم در مطبوعات، بر ابعاد جامعه‌شناختی، روان‌شناسی و حقوقی استوار بوده؛ ولی تمرکز پژوهش حاضر بر بازنمایی جرم در مطبوعات ایران به لحاظ زبان‌شناختی است. افکار عمومی همواره متأثر از نحوهٔ بازنمایی و انتشار اخبار است (ربیعی و احمدزاده نامور، ۱۳۸۷) که در این میان می‌توان در چگونگی بازنمایی، برای مثال در حفظ شأن یک شغل کوشید یا تخریب یک صنف خاص را مد نظر قرار داد. جنسیت نیز از جمله عواملی است که نقش مهمی در بازنمایی ایفا می‌کند؛ برای مثال، آدامپا^۱ (۱۹۹۹) با بررسی نحوهٔ بازنمایی قربانیان مؤنث و مجرمان مذکر در سه مقالهٔ روزنامه‌ای، بیان می‌دارد که در مقالات بررسی‌شده، تمایل به حذف کنشگر برای رفع تقصیر و اتهام از مجرمین است و در بازنمایی جرائم با روی آوردن به جملات مجهول، به قربانیان توجه شده است؛ بنابراین زبان تنها زندگی اجتماعی را توصیف نمی‌کند، بلکه نقش اساسی و مهمی در ساخت آن ایفا می‌کند (پارتون و اُبرن، ۲۰۰۰).

با توجه به تأثیر بسزایی که رسانه در شکل‌دهی افکار عمومی دارد، بررسی نحوهٔ انعکاس اخبار و گزارش‌های مربوط به جرم و جنایت در مطبوعات اهمیت ویژه‌ای می‌یابد. این موضوع بدین لحاظ قابل توجه است که می‌تواند نشان‌دهندهٔ رابطهٔ میان ماهیت جرم از یک‌سو و نحوهٔ بازنمایی آن در زبان و رسانه و روزنامه از دیگرسو باشد. جایی که ایدئولوژی و گرایش‌ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، به‌طور صریح یا ضمنی، جلوه داده می‌شود؛ به بیان دیگر، در پژوهش حاضر، بررسی نگرش رسانه‌ای موجود در مطبوعات ایران نسبت به جرم و جنایت مد نظر است. در این راستا براساس چارچوب سبک‌شناسی انتقادی جفریز^۳ (۲۰۱۰)، تصویری کلی از نحوهٔ بازنمایی جرم در مطبوعات ایران به دست داده می‌شود؛ در این میان، این پرسش به ذهن می‌رسد که نحوهٔ بازنمایی زبانی مجرم، قربانی و جرم در مطبوعات ایران چگونه است.

با این بررسی مشخص خواهد شد که چه قربانیانی مستعدترند که جرم بر آن‌ها واقع شود. مجرمین بیشتر چه کسانی هستند و عنوان‌های به‌کاربرده‌شده برای آن‌ها در مطبوعات ایران به چه صورت است؛ همچنین دربارهٔ خود جرائم، بسامدشان و نحوهٔ بازنمایی آن در مطبوعات ایران اطلاعات مناسبی به دست خواهد آمد. از آنجاکه جرم در ارتباط مستقیم با حوزهٔ قضایی و حقوقی است، نتایج پژوهش حاضر

1. V. Adampa

2. N. Parton & P. O'Byrne

3. L. Jeffries

می‌تواند دستاوردهای مفیدی برای زبان‌شناسی قضایی به‌همراه داشته باشد. بین زبان‌شناسی و حقوق رابطه تنگاتنگی وجود دارد که یکی از این حلقه‌های ارتباطی می‌تواند سبک‌شناسی قضایی باشد (مک منامین^۱، ۲۰۰۲) و نیاز به آن در دادگاه‌ها به‌طور کامل قابل مشاهده است (فوستر^۲، ۲۰۰۰).

درزمینه زبان‌شناسی قضایی، پژوهش‌های متعددی از جمله کرسستا^۳ (۱۹۶۲)، سوارتویک^۴ (۱۹۶۸)، بالدوین و فرنچ^۵ (۱۹۹۰)، شای^۶ (۱۹۹۷)، هولین^۷ (۲۰۰۱ و ۱۹۹۰)، فینگن^۸ (۲۰۱۰)، باترز^۹ (۲۰۱۰)، تیرسما و سولان^{۱۰} (۲۰۱۲)، حبیبی (۱۳۷۴)، داوودی رئیسی (۱۳۸۴)، آقاگل‌زاده و دیگران (۱۳۸۹)، مؤمنی (۱۳۸۹)، نامور فرگی و دیگران (۱۳۹۲) انجام پذیرفته که در این میان بیشتر به آواشناسی حقوقی، سبک‌شناسی، متن قوانین، دادخواست، لایحه، دادنامه، آراء قضایی، نامه‌های ارسال‌شده حاوی تهدید، متن‌های مربوط به خودکشی و همچنین متن قراردادها توجه شده است؛ همچنین درزمینه بازنمایی جرم در رسانه‌ها پژوهش‌های ایرانی و غیر ایرانی متعددی انجام شده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به سانتامیلیا و مارواندا^{۱۱} (۲۰۱۴)، تبرت^{۱۲} (۲۰۱۶ و ۲۰۱۵)، یاسمین^{۱۳} و دیگران (۲۰۱۵)، فرجی‌ها (۱۳۸۵)، معینی‌فر (۱۳۸۸)، فرجی‌ها و همت‌پور (۱۳۹۲)، آسیایی (۱۳۹۵)، سلطانی گردفرامریزی و دیگران (۱۳۹۶) و مردیها (۱۳۹۷) اشاره کرد.

با توجه به پژوهش‌های نام‌برده، می‌توان گفت تاکنون در قالب زبان‌شناسی قضایی به چگونگی انتشار اخبار و گزارش‌های مربوط به جرم و جنایت در مطبوعات ایران پرداخته نشده است و پژوهش حاضر نخستین گام در راستای بررسی پیکره‌بنیاد بازنمایی زبانی جرم در مطبوعات ایران است؛ از این‌رو، سعی شده است که با استفاده از ابزار نامیدن و توصیف‌کردن معرفی‌شده در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی جفریز (۲۰۱۰)، نحوه بازنمایی زبانی جرم، مجرم و قربانی در مطبوعات ایران بررسی شود و از سبک‌شناسی انتقادی به‌مثابه وسیله‌ای در خدمت زبان‌شناسی قضایی استفاده شود.

1. G. R. McMenamin
2. D. Foster
3. L. G. Kersta
4. J. Svartvick
5. J. Baldwin & J. French
6. R. Shuy
7. H. Hollein
8. E. Finegan
9. R. R. Butters
10. P. M. Tirsma & L. M. Solan
11. J. Santaemilia & S. Maruenda
12. U. Tabbert
13. M. Yasmin

۲- مبانی نظری پژوهش و روش‌شناسی

۲-۱- سبک‌شناسی انتقادی جفریز (۲۰۱۰)

یکی از ابعاد بررسی متن، بررسی ساختار ایدئولوژیک آن است و یکی از چارچوب‌های بررسی متن را جفریز (۲۰۱۰) با عنوان سبک‌شناسی انتقادی^۱ ارائه کرده است. در معرفی سبک‌شناسی انتقادی می‌توان گفت سبک‌شناسی انتقادی بر این مبنا استوار است که متون محتوای ایدئولوژیک دارند و بر این مبنا، سبک گسترش یافته در متن را مطالعه می‌کند که راه‌های خاصی از دیدن اشیاء را مهم و موارد دیگر را کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و هدف آن، تلاش برای کشف اطلاعات در زیرسطح زبان به منظور آشکار کردن /انتخاب‌های زبانی است که معنای متن را شکل می‌دهند. این شاخه سبک‌شناسی تا حد زیادی به وسیله زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی که ارتباط بسیار نزدیکی باهم دارند، ایجاد می‌شود.

مفاهیم سبک، انتقادی، ایدئولوژی و قدرت چهار مفهوم پایه در سبک‌شناسی انتقادی است. با توجه به اینکه در سبک‌شناسی انتقادی بر انتخاب‌های زبانی و تحلیل‌های متنی تأکید می‌شود که گزینش‌های آگاهانه یا ناآگاهانه تولیدکننده متن را آشکار می‌کند، تعریف سبک به‌مثابه /انتخاب در این شاخه از سبک‌شناسی اهمیت می‌یابد و اصطلاح /انتقادی همان مفهومی را دارد که در زبان‌شناسی انتقادی و تحلیل گفتمان انتقادی داشته است؛ یعنی متون به‌منظور نشان‌دادن ارتباطاتی که از دید مردم پنهان است و همچنین برای آشکارکردن معانی آن‌ها و ایدئولوژی پوشیده متن، تجزیه و تحلیل می‌شوند.

جفریز (۲۰۱۰) با انتخاب نام سبک‌شناسی انتقادی برای کتاب خود و با اهمیت ویژه‌ای که به بیان مفاهیم اجتماعی در زبان داد و ابزارهایی که برای تحلیل در این سبک‌شناسی ارائه کرد، پیوند استوار سبک‌شناسی و تحلیل گفتمان انتقادی را بار دیگر تأکید کرد (نورگارد^۲ و دیگران، ۲۰۱۰). سبک‌شناسی انتقادی اگرچه اهداف و ابزارهای مشترکی با تحلیل گفتمان انتقادی دارد، بیشتر بر متن تمرکز دارد و ویژگی‌های سبکی متون را در بافت اجتماعی و با توجه به مقوله‌های ایدئولوژی و قدرت بررسی می‌کند.

۲-۱-۱- تقسیم‌بندی ده‌گانه

جفریز (۲۰۱۰) با تقسیم‌بندی ده‌گانه متنی - مفهومی، ابزار سبک‌شناسی انتقادی را معرفی می‌کند. فرض وی این است که این‌ها کاربرد ایدئولوژیک زبان هستند که با استفاده از آن‌ها، دید خاصی نسبت به

جهان (جهان متن) خلق می‌شود (جفریز، ۲۰۱۴). ابزارهایی که جفریز (۲۰۱۰) در سطح معناشناسی / کاربردشناسی در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی ارائه کرده است، عبارت‌ند از:

- ۱- نامیدن و توصیف کردن؛ ۲- بازنمایی کنش‌ها/رخدادها/ فرایندهای اسنادی؛ ۳- برابردانستن و ایجاد تقابل؛ ۴- مثال‌زدن و برشمردن؛ ۵- اولویت‌بندی اطلاعات؛ ۶- فرض کردن (پنداشتن) و بیان تلویحی؛ ۷- منفی کردن؛ ۸- فرضیه‌سازی (وجهیت)؛ ۹- عرضه‌گفته و اندیشه‌دیگران و ۱۰- بازنمایی زمان، مکان و جامعه.

درپر (۱۳۹۱) اطلاعات و مطالب مدوتی را درباره سبک‌شناسی انتقادی ارائه می‌دهد که ضمن ترجمه و تلخیص کتاب *سبک‌شناسی انتقادی* (جفریز، ۲۰۱۰)، نحوه شکل‌گیری سبک‌شناسی انتقادی و ابزارهایش را بازگو می‌کند. درپر (۱۳۹۲) داستان کوتاه جشن فرخنده نوشته جلال آل‌احمد را در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی به‌منظور دست‌یابی به ایدئولوژی پشت متن و ویژگی‌های سبکی متن بررسی می‌کند. درپر (۱۳۹۳) لایه‌های مورد بررسی در سبک‌شناسی انتقادی داستان کوتاه و رمان را مورد توجه قرار می‌دهد. نکته مهم این است که پژوهش‌های یادشده از دید سبک‌شناسی انتقادی ادبی است و در ادبیات استفاده می‌شود؛ ولی در پژوهش حاضر سعی شده است که با ابزار نامیدن و توصیف کردن معرفی شده در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی جفریز (۲۰۱۰)، نحوه بازنمایی زبانی جرم، مجرم و قربانی در مطبوعات ایران بررسی شود. بدین‌صورت‌میزان کاربردپذیری چارچوب سبک‌شناسی انتقادی با پیاده‌سازی بر داده‌های زبان فارسی نیز مشخص خواهد شد. در ادامه، به شرح ابزار مدنظر پژوهش حاضر پرداخته می‌شود.

۲-۱-۲- مؤلفه مورد بررسی (نامیدن و توصیف کردن)

نامیدن و توصیف کردن یکی از ابزارهای تحلیل در سبک‌شناسی انتقادی است. این طبقه مفهومی با ساخت عبارت‌های اسمی متشکل از یک اسم به‌مثابه هسته که گاهی اوقات با پیش/ پس توصیف‌گرها همراه می‌شود و به‌منزله عبارت ارجاعی به‌کار می‌رود، ارتباط دارد. روش‌های مختلفی برای نامیدن وجود دارد. نامیدن فرایندی زبانی است که مردم، مکان‌ها و اشیا به‌وسیله آن بیان می‌شوند و با افزودن صفات، هویت و ویژگی‌های خاصی می‌یابند. از میان ارجاعات ممکن، یکی انتخاب می‌شود؛ برای مثال، شخصی ممکن است مریم، خواهر من، بهترین خواننده مدرسه یا ارجاعات ممکن دیگری نامیده شود که شاید از نظر آوایی، معناشناسی و واژگانی در بافت‌های خاص، اهمیت ایدئولوژیکی داشته باشند؛

از جمله موارد قابل بررسی در این بخش عبارت‌اند از:

۱- انتخاب یک واژه از میان انتخاب‌های ممکن؛

۲- کاربرد واژه‌های نشان‌دار (انتخاب واژه افزون بر ارجاع، نگرش گوینده را نیز نشان می‌دهد)؛

۳- فرایند اسم‌سازی و ساختار عبارت‌های اسمی با توصیف‌هایی که به آن افزوده می‌شود.

در نهایت در هر یک از موارد یادشده، تأثیر ایدئولوژیکی انتخاب صورت‌پذیرفته نیز قابل بررسی است. در پژوهش حاضر برای به‌دست‌آوردن تصویر کلی بازنمایی جرم در مطبوعات ایران، لازم است چگونگی نامیدن جرم، مجرم و قربانی در بازنمایی بررسی شود.

۲-۲- جمع‌آوری داده‌ها و روش پژوهش

با توجه به پیکره‌بنیاد بودن نوشتار پیش رو و نبود پیکره‌ای بازنما^۱ و جامع از مطبوعات ایران، پیکره‌ای بازنما متشکل از روزنامه‌های کثیرالانتشار ایران فراهم شد. بدین منظور، با جمع‌آوری متون مربوط به جرائم در شش روزنامه کثیرالانتشار کیهان، اطلاعات، رسالت، جوان، آفتاب و شرق در بازه زمانی یک‌ساله از خرداد (۱۳۹۵) تا خرداد (۱۳۹۶)، به‌صورت نمونه‌گیری پنجاه شماره از هر روزنامه به‌طور تصادفی نظام‌مند، پیکره‌ای یک میلیون کلمه‌ای ایجاد شد که تنها حاوی مطالب مرتبط با جرائم است. انتخاب نمونه به این صورت بوده است که از هر ماه، یک هفته آماری از شنبه تا پنجشنبه ساخته شد و از هر هفته، یک روز به‌صورت تصادفی و منظم، در مجموع به مدت پنجاه روز تعیین شد. سپس با توجه به روزهای تعیین‌شده، مطالب مرتبط با جرم به‌صورت دستی از روزنامه‌ها جمع‌آوری شد.

به‌منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از مطبوعات ایران ابتدا با نرم‌افزار انت‌کانک^۲ با گرفتن فهرست کلمات^۳، مهم‌ترین واژه‌ها استخراج شدند. در این میان، ضمایر و اسم‌های خاص کنار گذاشته شدند؛ سپس با بررسی جداگانه هر کدام از کلمات این فهرست، واژگان کلیدی برای مجرمین، قربانیان و جرائم در مطبوعات ایران مشخص شدند و در نهایت با نرم‌افزار انت‌کانک تعداد (۱۱۹۰۸) جمله در ارتباط با جرم، (۱۰۹۷۳) جمله در رابطه با مجرم و (۶۰۶۱) جمله درباره قربانی استخراج بررسی شد. در ادامه، جملات مربوط به هر کدام از جرائم با استفاده از سطرهای واژه‌نمایی^۴ در بافت اصلی مشخص شدند و در نهایت با تجزیه و تحلیل این جملات در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی جفریز (۲۰۱۰)،

1. Representative
2. AntConc
3. wordlist
4. concordance line

واژگان به‌کاررفته در بازنمایی جرائم، مجرمین و قربانی در سه بخش مختلف بررسی شدند. شایسته است گفته شود که تلفیق سبک‌شناسی انتقادی با زبان‌شناسی پیکره‌ای تفاسیر را به واقعیت نزدیک‌تر می‌کند و از تفاسیر انتزاعی و ذهنی می‌کاهد و همچنین از تداخل تعصبات شخصی پژوهش‌گر در تفسیرها جلوگیری می‌کند (تبرت، ۲۰۱۵).

۳- تحلیل داده

در این قسمت از پژوهش، در سه بخش واژگان به‌کاررفته در نامیدن جرائم، مجرمان و قربانیان در مطبوعات ایران براساس چارچوب سبک‌شناسی جفریز (۲۰۱۰) بررسی می‌شوند:

۳-۱- جرائم

با بررسی آماری داده‌های پژوهش، مشخص شد که در بازنمایی جرم در مطبوعات ایران در دوره مورد بررسی تعداد (۸۱) عنوان کلمه هدف^۱ با فراوانی کل (۱۱۹۰۸) به‌کار رفته است. فراوانی جرائم بازنمایی شده در روزنامه‌های مختلف مطبوعات ایران در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول (۱). فراوانی جرائم بازنمایی شده در روزنامه‌ها

روزنامه	کیهان	جوان	رسالت	اطلاعات	شرق	آفتاب	جمع کل
تعداد	۱۷۷۶	۲۲۱۷	۷۰۵	۲۲۹۸	۳۰۸۷	۱۸۲۵	۱۱۹۰۸
درصد	٪۱۵	٪۱۹	٪۶	٪۱۹	٪۲۶	٪۱۵	٪۱۰۰

براساس جدول (۱)، در بازنمایی جرائم در مطبوعات ایران در دوره مورد بررسی، روزنامه شرق با (۲۶٪) بیشترین و روزنامه رسالت با (۶٪) کمترین پوشش رسانه‌ای را داشته‌اند.

با بررسی کلمات به‌کاررفته در بازنمایی جرائم در مطبوعات ایران، جدول (۲) به‌دست آمد. این جدول نشان‌دهنده کلمات استفاده‌شده در بازنمایی جرائم است و فراوانی هر مورد در مقابل آن ذکر شده است. براساس داده‌های مشاهده‌شده، جرائم در دسته‌های مختلفی قرار گرفته‌اند:

الف) جرائم علیه اشخاص که بیشتر با خشونت نیز همراه است: عمل مجرمانه مرتکب جرم، در همه جرائم بر روی یک موضوع رخ نمی‌دهد. گاهی عمل مجرمانه مرتکب، روی اشخاص، یعنی تمامیت جسمانی آن‌هاست؛ مانند زمانی که مجرم اقدام به ضرب و جرح شخصی می‌کند یا او را به قتل می‌رساند. به‌طور کلی در این دسته (۲۴) عنوان در بازنمایی جرائم همچون قتل و جنایت و... به‌کار

رفته است.

ب) جرائم علیه اموال: این جرائم جرم‌هایی هستند که بر روی اموال اشخاص اتفاق می‌افتند و هدف مجرم از ارتکاب جرم، دست‌اندازی به اموال مردم است؛ بنابراین هر جرمی که باعث از دست رفتن، تخریب یا نقصان مال شود، جزء جرائم علیه اموال قرار خواهد گرفت. پانزده عنوان جرم در این زمینه در مطبوعات ایران به چشم می‌خورد؛ برای مثال سرقت، کلاهبرداری و

پ) جرائم علیه امنیت و آسایش عمومی: گرچه همه جرائم به‌نوعی امنیت را خدشه‌دار می‌کنند؛ اما در برخی جرم‌ها این ویژگی روشن‌تر است؛ به عبارت دیگر، به‌طور مستقیم با مفاهیم امنیت ملی و آسایش عمومی در ارتباط هستند و از سطح جرائم علیه اشخاص و اموال فراتر می‌رود. چهارده عنوان جرم در این زمینه در مطبوعات ایران دیده می‌شود.

ت) جرائم اخلاقی: در این دسته می‌توان از جرائمی همچون رابطه نامشروع، پارتی (مهمانی) و ... نام برد. به‌طور کلی یازده عنوان مجرمانه در این قسمت در مطبوعات ایران بازنمایی شده‌اند.

ث) جرائم در زمینه قاچاق، مواد مخدر و دارو: در این دسته یازده عنوان مجرمانه همچون هروئین، شیشه، قاچاق، ترامادول و ... در مطبوعات ایران بازنمایی شده‌اند.

ج) اشاره کلی به جرائم: در این دسته به‌جای نام‌بردن دقیق عنوان مجرمانه، از کلماتی مانند جرم، بزه و خلاف استفاده می‌شود. بازنمایی این دسته در مطبوعات ایران مشتمل بر سه عنوان مجرمانه است.

چ) سایر موارد: در این دسته از مواردی مانند قصور پزشکی نام برده می‌شود که دال بر خطای غیر عمد است. واژگان دیگر این دسته شامل حمل و نگهداری و خرید و فروش عتیقه و اسپری فلفل می‌شود که مشمول دسته‌های دیگر نمی‌شوند. بازنمایی این دسته در مطبوعات ایران مشتمل بر سه عنوان مجرمانه است.

جدول (۲). فراوانی کلمات به‌کاررفته در بازنمایی جرم در پیکره

درصد	مثال و فراوانی	انواع جرم و فراوانی
۳۳٪	قتل (۱۶۴۰)، درگیری (۴۴۸)، حمله (۲۲۲)، کشتن (۲۱۷)، جنایت (۱۷۲)، تیراندازی (۱۵۶)، تهدید (۱۴۷)، آزار و اذیت (۱۳۸)، خشونت (۱۱۷)، ربودن (۱۱۵)، اسیدپاشی (۱۰۴)، آدم‌ربایی (۱۰۳)، دعوا (۹۲)، تعرض (۷۵)، مشاجره (۵۷)، مزاحمت (۵۶)، اغفال (۲۷)، گروگان‌گیری (۳۶)، تجاوز (۲۲)، همسرکشی (۴)، برادرکشی (۲)، خواهرکشی (۱)، پدرکشی (۱) و فرزندکشی (۱).	جرائم علیه اشخاص (۳۹۴۳)

ادامهٔ جدول (۲).

درصد	مثال و فراوانی	انواع جرم و فراوانی
۲۶٪	سرقت (۲۳۶۶)، کلاهبرداری (۴۰۷)، تصرف (۷۵)، دزدی (۷۱)، کیف‌قاپی (۶۱)، سوء استفاده/ مالی (۵۵)، دستبرد (۵۲)، اختلاس (۵۰)، گردنبنده‌قاپی (۲۲۹)، تصادف ساختگی (۲۰)، زمین‌خواری (۱۶)، کسب مال نامشروع (۱۰)، مال‌خوری (۳)، کف‌زنی (۱) و خیانت در امانت (۱).	جرایم علیه اموال (۳۱۱۰)
۹٪	جعل (۲۹۷)، زور/گیری (۲۰۷)، تقلب در کسب‌وکار (سکّه) (۱۷۵)، نزاع (۱۲۱)، سرقت به عنف (۶۲)، رشوه/ارتشا (۴۴)، شرارت (۴۴)، اخاذی (۴۳)، ایجاد رعب (۱۶)، محاربه (۱۲)، عربده‌کشی (۷)، باج‌گیری (۵)، خفت‌گیری (۵) و راهزنی (۳).	جرایم علیه امنیت و آسایش عمومی (۱۰۴۱)
۱۰/۵٪	مشروب (۸۲)، پارتی (۳۵)، پوشاک نامتعارف (۲۸)، مستهجن (۱۳)، قماربازی (۱۳)، رابطه نامشروع (۱۰)، مبتذل (۷)، فحشا (۵)، زنا به عنف (۴)، خیانت (۲) و متلک (۲).	جرایم اخلاقی (۲۰۱)
۲۳٪	مواد مخدر (۱۱۷۰)، قاچاق (۱۰۱۲)، تریاک (۲۴۸)، اعتیاد (۱۷۳)، هروئین (۴۶)، شیشه (۳۵)، متادون (۲۴)، روان‌گردان (۱۶)، ترامادول (۷)، حشیش (۶) و ماری-جوانا (۱).	جرایم مرتبط با مواد مخدر/ قاچاق/ دارو (۲۷۳۸)
۷٪	جرم/ جرائم (۷۳۹)، بزه‌کاری (۷۵) و خلاف (۱۶).	اشاره کلی به جرائم (۸۳۰)
۵٪	قصور پزشکی (۱۹)، عتیقه (۱۸) و اسپری فلغل (۸).	سایر (۴۵)
۱۰۰٪		جمع کل (۱۱۹۰۸)

با توجه به جدول (۲)، جرائم بازنمایی شده علیه اشخاص با (۳۳٪) بیشترین فراوانی و جرائم بازنمایی شدهٔ اخلاقی با (۱۰/۵٪) کمترین فراوانی را در مطبوعات ایران دارند. به نظر می‌رسد محدودیت‌ها و معذوریت‌های اخلاقی و سیاسی موجود در نشریات و همچنین ملاحظات اخلاقی قربانیان این جرائم باعث می‌شود که بازنمایی جرائم اخلاقی با فراوانی کمتری صورت پذیرد؛ زیرا مطرح کردن این نوع جرائم ممکن است با عبور از برخی خط‌قرمزهای اخلاقی (فردی و اجتماعی) و سیاسی همراه شود که بیشتر نشریات و همین‌طور قربانیان عامدانه از آن پرهیز می‌کنند؛ به عبارت دیگر، افراد و به‌ویژه قربانیان تمایل اندکی به افشای اطلاعات مربوط به جرائم حساسی همچون تجاوز جنسی، کودک‌آزاری و... دارند و همین امر زمینه‌ساز وقوع کمابیش اندک آن‌ها در متون خبری می‌شود.

براساس جدول (۲) می‌توان سلسله‌مراتب جرائم بازنمایی شده در مطبوعات ایران را طبق براساس بسامد مشخص کرد. در این میان، جرائمی همچون سرقت، قتل، مواد مخدر و قاچاق، بیشترین بازنمایی و جرائمی همچون راهزنی، متلک و کف‌زنی کمترین بازنمایی را دارند. برطبق قاعده می‌توان این تفاوت در بازنمایی جرائم را تا اندازه‌ای به واقعیت موجود در جامعه از لحاظ فراوانی وقوع جرم‌های

مختلف مرتبط دانست؛ اما نباید این نکته را نیز از نظر دور داشت که چه‌بسا به دو دلیل (غیر از واقعیت‌های جامعه‌شناختی)، بازنمایی برخی جرائم در مطبوعات ایران، کمتر از سایر موارد (جرائم) صورت می‌گیرد؛ دلیل نخست را می‌توان این‌گونه خاطر نشان کرد که برخی جرم‌ها همچون قتل، سرقت، قاچاق از لحاظ فردی و اجتماعی با شدت بالاتری قربانیان‌شان را متأثر می‌کنند؛ در حالی که میزان این تأثیر در جرم‌هایی همچون متلک و کف‌زنی به مراتب کمتر است و همین شدت تأثیر بالاتر/ پایین‌تر باعث مطرح‌شدن (گزارش‌شدن) بیشتر یا کمتر آن‌ها به وسیله قربانیان‌شان می‌شود. ضمن اینکه جرائمی همچون سرقت یا قتل که معذوریت‌های اخلاقی کمتری به نسبت جرائم اخلاقی دارند، با فراوانی بالاتری به وسیله قربانیان (یا خانواده قربانیان) گزارش می‌شوند.

دلیل دیگر هم می‌تواند این باشد که قربانیان جرائم دسته دوم (جرائم کم‌تکرار) به دلیل طولانی‌بودن روند پیگیری جرم‌هایشان در دادگاه‌ها و بروکراسی‌های زمان‌بر، به‌طور عمده از شکایت و به‌طبع مطرح‌کردن اتفافی که برایشان افتاده، منصرف می‌شوند. آنچه در این ارتباط گفته شد، مربوط به دلایل گزارش جرائم از سوی قربانیان بود؛ اما نباید از نظر دور داشت که عوامل مختلفی همچون پول، ایدئولوژی، گرایش سیاسی، روابط قدرت، سفارش سرمایه‌گذار، نوع نگاه ناخودآگاه خبرنگار و ذائقه عمومی مخاطبان اخبار در دروازه‌بانی و بازنمایی موضوعات مختلف در اخبار اثرگذار هستند (مردیها، ۱۳۹۷)؛ بنابراین از جمله عوامل دیگری که باعث بازنمایی بیشتر جرائمی همچون قتل و سرقت نسبت به سایر جرائم می‌شود، تأثیر ذائقه عمومی بر انتخاب اخبار مربوط به این جرائم است.

همان‌گونه که مردیها (۱۳۹۷) نیز خاطر نشان می‌کند، آنچه برای مخاطبان مطبوعات جذاب است به‌طور عمده حوادث کمیاب، متأثرکننده، شگفتی‌آور و تکان‌دهنده است که به‌طور معمول در اخبار بد منعکس می‌شوند. این مؤلفه‌ها در جرم‌هایی همچون قتل و سرقت بیش از سایر جرائم مشاهده می‌شود؛ بنابراین، میزان بازنمایی جرائم مختلف به‌ناچار انعکاس فراوانی وقوع جرم‌ها در جامعه نیست و ملاحظات دیگری را نیز در این زمینه باید در نظر گرفت که به برخی از آن‌ها اشاره شد.

بر اساس جدول (۲) به فضای کلی حاکم بر بازنمایی جرائم در مطبوعات ایران پی برده می‌شود که بی‌شک نسبت به وقوع جرائم اثراتی بر عموم مردم در پی خواهد داشت. با توجه به موارد یادشده و اثرات رسانه‌ها بر افکار عمومی، اگر بازنمایی جرائم در مطبوعات و رسانه‌ها به‌لحاظ تنوع جرائم و فراوانی‌شان مدیریت شود، می‌توان از عادی‌شدن جرم‌جوگیری کرد و از تعداد جرائم کاست. در این رابطه می‌توان با اندیشیدن تمهیدات و آموزش‌های لازم از وقوع جرم پیشگیری کرد و به دلایل وقوع

آن‌ها یا راه‌های پیشگیری از جرم پرداخت.

نکته مهم دیگر در این زمینه تأثیر رسانه و مطبوعات بر چگونگی، شدت و مدت‌زمان رسیدگی به جرائم است که می‌توان با آگاهی‌بخشی به قضات نسبت به نحوه و میزان بازتاب جرم در رسانه‌ها و مطبوعات و تأثیر آن بر عموم مردم برای استفاده از اختیارات خود در تشدید یا تخفیف مجازات مجرمین (کیفیات مشدده و مخفیه) کوشید.

۳-۲- مجرمین

در این بخش از پژوهش، با استفاده از ابزار نامیدن و توصیف کردن معرفی شده در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی، نحوه بازنمایی مجرمین در مطبوعات ایران تحلیل می‌شود. این نکته مهم است که به مجرمین ازدید جرم ارتكابی نگریسته می‌شود و جنبه‌های منفی جرم، خود را در مجرم نیز نشان می‌دهد. نوع نام‌بردن از مجرم و انتخاب‌های زبانی نشان‌دهنده طرز نگرش به مجرمین است. تنوع کلمات هدف به‌کاربرده شده در بازنمایی مجرمین (۱۰۸) مورد با فراوانی کل (۱۰۹۷۳) است که نشان از تنوع و فراوانی بالای مجرمین بازنمایی شده در مطبوعات ایران دارد.

همان‌طور که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، در بازنمایی مجرمین به‌لحاظ جنسیت، بازنمایی جنس مذکر با (۷۹/۵٪) فراوانی بسیار بالاتری از بازنمایی جنس مؤنث با (۲۰/۵٪) دارد. ازجمله مهم‌ترین دلایل این بازنمایی، توزیع نامتوازن قدرت بین دو جنس مذکر و مؤنث است. ایدئولوژی غالب، مردان و زنان را دارای نقش‌های اجتماعی متفاوت می‌بیند. براساس این ایدئولوژی، نقش تأمین معاش خانواده به‌طور عمده بردوش مردان و مسئولیت نگهداری و تربیت فرزندان و کارهای مربوط به خانه و خانه‌داری به‌طور معمول به‌عهده زنان است. این نقش‌های مختلف، باعث حضور پررنگ‌تر مردان در جامعه و کنش‌گری بیشتر آنان می‌شود. به‌باور جانستون^۱ (۲۰۱۸)، نه‌تنها گفتمان، منعکس‌کننده نوعی تفکر است و آن شیوه تفکر سبب خلق آن گفتمان می‌شود، بلکه تکرار آن گفتمان باعث تقویت آن شیوه تفکر نیز می‌شود؛ همچنین خودآگاه انسان به‌طور عمده از آن گفتمان خاص غافل است.

ناگفته پیداست که کنش‌گری بیشتر بی‌شک محدود به اعمال و کنش‌های مثبت نیست و اتفاقات و رویدادهای بد همچون جرائم را نیز شامل می‌شود؛ به‌عبارت دیگر، جنسیتی که به‌دلیل توزیع نامتوازن قدرت، حضور پررنگ‌تری در جامعه کسب کرده است، بیش از جنس دیگر مستعداً ارتكاب جرائم

است. در نتیجه همان‌طور که اشاره شد، تکرار این گفتمان مردگرا باعث تقویت این نوع نگرش به دو جنس مذکر و مؤنث و تثبیت جنسیت‌ها در نقش‌هایشان می‌شود. به‌باور بیکر^۱ (۲۰۱۰)، ایدئولوژی جنسیت‌گرایی (قراردادن جنسیتی در فرادست و جنسیت دیگر در فرودست) توازن قدرت را در زبان و جامعه از بین می‌برد و جامعه را دچار تبعیض جنسیتی می‌کند. آنچه در این بخش و بخش مربوط به قربانیان ملاحظه می‌شود، توزیع نامتوازن نقش‌های معنایی کنش‌گر و کنش‌پذیر در ارتباط با اعمال مجرمانه است؛ یعنی مرد بیشتر به‌مثابه مجرم (کنش‌گر) و زن بیشتر به‌منزله قربانی (کنش‌پذیر) بازنمایی شده است. کنش‌های متفاوتی که در اثر توزیع نابرابر قدرت در جامعه ایجاد شده‌اند.

با توجه به اطلاعات ارائه‌شده در جدول (۳)، می‌توان گفت که در بازنمایی مجرمین در مطبوعات ایران، بازنمایی مجرم براساس جرم ارتكابی با (۶۲٪) بیشترین فراوانی و بازنمایی براساس جنسیت با (۱۵٪) رتبه دوم را به خود اختصاص داده است؛ همچنین بازنمایی برحسب سن با (۴٪) کمترین فراوانی را دارد.

نکته مهم دیگر در این زمینه، سلسله‌مراتب مجرمین بازنمایی‌شده در مطبوعات ایران براساس بسامد است. در این میان، واژه‌هایی همچون متهم، سارق، مرد، باند و قاتل بیشترین بازنمایی و کلماتی مانند تاراج‌گر و سودجو و راهزن کمترین بازنمایی را دارند. دلیل این مورد نیز پیش‌تر به‌هنگام بحث در مورد ذائقه عمومی مخاطب بیان شد.

۳-۳- قربانیان

در این بخش از پژوهش، با استفاده از ابزار نامیدن و توصیف کردن معرفی‌شده در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی نحوه بازنمایی قربانیان در مطبوعات ایران تحلیل می‌شود. اسمی که برای نام‌بردن از قربانی به‌کار می‌رود؛ از آنجاکه می‌تواند جنبه‌های خاصی از شخصیت قربانی را برجسته‌تر کند، مؤلفه مهمی در ساخت معنا به‌شمار می‌رود (کلارک، ۱۹۹۲)؛ در این راستا انتخاب‌های زبانی متقل‌کننده ایدئولوژی هستند. تنوع کلمات به‌کاررفته در بازنمایی قربانی تعداد (۷۶) کلمه هدف و فراوانی کل آن (۶۰۴۱) است که در گروه‌های مختلف دسته‌بندی می‌شوند. براساس جدول (۳)، بازنمایی قربانی در مطبوعات ایران بیشتر براساس جنسیت با (۳۱/۵٪) صورت پذیرفته است، رتبه دوم نیز با (۲۰/۵٪) متعلق به بازنمایی براساس جرم است. در این میان، بازنمایی قربانی براساس شغل با (۴٪) کمترین

فراوانی را دارد. همچنین، در بازنمایی قربانی به‌لحاظ جنسیت، بازنمایی جنس مؤنث با فراوانی (۰/۵۵/۵) بیشتر از بازنمایی جنس مذکر با فراوانی (۰/۴۵/۵) است.

دلایل احتمالی این تفاوت در بازنمایی، در بخش بازنمایی مجرمین براساس جنسیت اشاره شد؛ بنابراین از تکرار آن در این بخش، پرهیز می‌شود. با توجه به جدول (۳) می‌توان به اهمیت روابط فامیلی و ریزش در آن در بازنمایی قربانی در مطبوعات ایران پی برد؛ برای مثال، استفاده از عنوان‌هایی همچون پدرزن، پسرخاله همسرش، خاله پدرش و باجناب در بازنمایی نشان‌گر این امر است. درباره مطرح کردن رابطه فامیلی نیز دقت بسیار لازم است؛ برای مثال در قتل اهورا (پسر بچه سه‌ساله رشتی) عنوان رابطه فامیلی قاتل با مادر پسر بچه، با عنوان‌های همسر، صیغه، دوست‌دختر دارای بار معنایی مختلف است که هر کدام می‌تواند اثرات مختلفی را در جامعه ایجاد کند.

نکته جالب توجه در بازنمایی مجرم و قربانی این است که دو مؤلفه پرتکرار در بازنمایی هر دو، بازنمایی براساس جرم و جنسیت است. به این شکل که در بازنمایی مجرم، تقدّم با بازنمایی جرم و در مورد قربانی تقدّم با بازنمایی جنسیت است. می‌توان دلایلی را برای این فراوانی بالا یا پایین بیان کرد. بار اطلاعاتی معرفی مجرم براساس جرم ارتكابی بی‌شک بیش از سایر مؤلفه‌ها است؛ به‌عبارت دیگر، ماهیت وجودی مجرم، به جرمی است که مرتکب شده‌است؛ بنابراین، از نظر معرفی مجرم، چندان دور از انتظار نیست که خبرنگار در اولین گام معرفی وی، به عملی که مرتکب شده (جرم ارتكابی) اشاره کند تا اینکه بخواهد برای مثال سن وی را بیان کند. ضمن اینکه ذائقه کنجکاو مخاطب نیز درباره مجرم، بیش از هر چیز به‌دنبال جرم ارتكابی (و شیوه انجام آن) است؛ زیرا همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، هیجان و تکان‌دهندگی به‌احتمال بسیار زیاد نخست در این ویژگی یافت می‌شود و همین امر می‌تواند دلیل پایین‌تر بودن فراوانی مجرم براساس سن یا قربانی براساس شغل باشد؛ اما آنچه سبب بالابودن فراوانی مؤلفه جنسیت در بازنمایی قربانی و مجرم می‌شود، وجود گفتمان جنسیت‌گرا در جامعه ایران است.

ایدئولوژی جنسیت‌گرا برای هر عمل و کنشی به‌دنبال مؤلفه جنسیت و نقش هر جنس در تحقق آن کنش است. این گفتمان جنسیت‌گرایانه به‌صورت خودآگاه یا ناخودآگاه در بازنمایی مجرم و قربانی نیز خود را نشان می‌دهد. به‌احتمال بسیار قوی، به‌دلیل قدرت‌مند بودن این گفتمان در جامعه، مخاطب به‌طور عمده منتظر مشاهده این مؤلفه درباره بازنمایی مجرم و قربانی است و این انتظار با اشاره خبرنگار به مشخصه مورد نظر برآورده می‌شود. در ارتباط با روابط فامیلی نیز می‌توان گفت از آنجاکه رابطه فامیلی

مجرم و قربانی برای خوانندگان اهمیت بالایی دارد، از این رو، در بازنمایی آن‌ها در مطبوعات نیز به این امر توجه ویژه شده است.

از میان (۷۸) کلمه به‌کاربرده‌شده برای بازنمایی قربانی، (۲۸) کلمه زیر به‌طور مشترک برای بازنمایی مجرم در مطبوعات ایران نیز استفاده شده است: مرد، نو/جوان، زن، فرد/افراد، دختر، پسر، همسر، پسر، دوست، کودک، مادر، برادر، شخص، خواهر، فرزند، شوهر، مسافر، معلم، دکتر، فروشنده، عروس، داماد، کارگزاران، نگهبان، نامادری، دانش‌آموز، عمه و پیرمرد.

این نشان می‌دهد افزون بر تفاوت‌های موجود در بازنمایی مجرم و قربانی، هم‌پوشانی نیز وجود دارد. شایسته است گفته شود که فراوانی کاربرد این کلمات مشترک به‌مثابه مجرم و قربانی تفاوت دارد و قابل مقایسه است؛ برای مثال: مرد در (۸۳۸) مورد به‌مثابه مجرم و در (۴۳۵) مورد به‌منزله قربانی به‌کار رفته است؛ یعنی چیزی در حدود نصف که این نشان از کنش‌گری بیشتر مرد به‌مثابه مجرم دارد. از میان مثال‌های دیگر در این زمینه، می‌توان به نوجوان با نسبت (۱۲۴) به (۷۹) و فرد/افراد با نسبت (۷۶۶) به (۲۱۴) اشاره کرد.

زن در (۲۳۰) مورد به‌مثابه مجرم و در (۴۶۳) مورد به‌منزله قربانی به‌کار رفته است؛ یعنی چیزی در حدود دوبرابر که این نشان از کنش‌پذیری بیشتر زن به‌مثابه قربانی دارد. دختر با نسبت (۵۳) به (۴۹۰) نیز به همین صورت است. لازم است ذکر شود که دلیل این تفاوت‌ها در بخش‌های پیشین پژوهش حاضر، پیرامون بحث توزیع نامتوازن قدرت مطرح شد.

نکته مهم دیگر، سلسله‌مراتب قربانیان بازنمایی‌شده در مطبوعات ایران براساس بسامد است. در این میان، واژه‌هایی همچون مقتول، شاک و قربانی بیشترین بازنمایی و کلماتی مانند تلفات و سوژه، کمترین بازنمایی را دارند. نکته دیگر در این زمینه این است که بازنمایی قربانیان نسبت به جرائم و مجرمین تنوع کمتری دارد. در بازنمایی قربانیان همچنین القای ضعیف‌بودن و برانگیختن دلسوزی و دل‌رحمی دیده می‌شود و نوع ارجاعات به قربانی طوری است که به‌جای عنوان‌شدن به‌صورت مستقل، موجودیت‌اش درباره شخص دیگر مطرح می‌شود. بسامد انواع مجرم و انواع قربانی نیز، افراد مستعد ارتکاب به جرم و افراد در خطر را مشخص می‌کند که با آموزش افراد در معرض خطر می‌توان از وقوع جرائم پیشگیری کرد.

در این قسمت اطلاعات آماری مرتبط با بازنمایی مجرم و قربانی در مطبوعات ایران در جدول (۳)

ارائه شده است.

جدول (۳). تنوع و فراوانی کلمات به‌کاررفته برحسب نوع بازنمایی مجرم و قربانی در مطبوعات ایران

قربانی		مجرم			انواع بازنمایی	
درصد	فراوانی	کلمه هدف	درصد	فراوانی	کلمه هدف	
۱۴/۵٪	۱۰۵۱	۹	۴٪	۴۶۱	۵	سن
۱۴٪	۱۰۰۲	۱۶	۱۲٪	۱۴۱۹	۲۰	مدگر
۱۷/۵٪	۱۲۵۳	۱۹	۳٪	۳۶۷	۱۰	مؤنث
۲۰/۵٪	۱۴۸۰	۸	۶۲٪	۷۳۵۰	۴۳	جرم
۴٪	۲۸۰	۱۱	۵٪	۶۰۳	۱۹	شغل و نقش اجتماعی
۱۲٪	۸۷۱	۳۲	۴/۵٪	۵۴۳	۳۰	روابط فامیلی
۱۸٪	۱۲۸۸	۱۳	۹/۵٪	۱۰۹۳	۹	بازنمایی فاقد شخصیت
۱۰۰٪	۷۲۲۵	۱۰۹	۱۰۰٪	۱۱۷۹۸	۱۳۶	جمع کل

۴- نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر با تلفیق سبک‌شناسی انتقادی و زبان‌شناسی پیکره‌ای، واژه‌های به‌کاررفته در بازنمایی جرم، مجرم و قربانی در مطبوعات ایران بررسی شد. به‌منظور انجام این بررسی، متون مربوط به جرائم در شش روزنامه کثیرالانتشار کیهان، اطلاعات، رسالت، جوان، آفتاب و شرق در بازه زمانی یک‌ساله از خرداد (۱۳۹۵) تا خرداد (۱۳۹۶) جمع‌آوری شد و پیکره‌ای یک میلیون کلمه‌ای حاوی مطالب مرتبط با جرائم ایجاد شد. به‌منظور تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از مطبوعات ایران ابتدا با انت‌کانک با گرفتن فهرست کلمات، مهم‌ترین واژه‌ها استخراج شدند. در این میان ضمائر و اسامی خاص کنار گذاشته شدند؛ سپس با بررسی جداگانه هرکدام از کلمات این فهرست، کلمات کلیدی برای مجرمین، قربانیان و جرائم در مطبوعات ایران مشخص شدند و درنهایت با استفاده از نرم‌افزار انت‌کانک تعداد (۱۱۹۰۸) جمله در ارتباط با جرم، (۱۰۹۷۳) جمله درباره مجرم و (۶۰۴۱) جمله در ارتباط با قربانی استخراج بررسی شد. در ادامه، جملات مربوط به هرکدام از جرائم با استفاده از سطرهای واژه‌نمایی در بافت اصلی مشخص شدند و درنهایت با تجزیه و تحلیل این جملات در چارچوب سبک‌شناسی انتقادی جفریز (۲۰۱۰)، کلمات به‌کاررفته در بازنمایی جرائم، مجرمین و قربانی در سه بخش مختلف بررسی شدند.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در بازنمایی جرم در دوره مورد بررسی، روزنامه شرق با (۲۶٪) بیشترین و روزنامه رسالت با (۶٪) کمترین پوشش رسانه‌ای را دارند. نکته مهم دیگر، تنوع و فراوانی بالای جرائم بازنمایی شده در مطبوعات ایران است که بیانگر دایره وسیع جرم‌نگاری و به تبع آن، تعداد

بالای مجرمین در جامعه است. در این زمینه همچنین می‌توان گفت که بازنمایی جرم، مجرم و قربانی در زبان فارسی به‌طور کامل و با جزئیات فراوان انجام می‌پذیرد، به‌طوری‌که در بازنمایی هرکدام از این‌ها حدود صد عنوان کاربرد استخراج شد. یافته‌های نوشتار پیش رو نشان می‌دهد در بازنمایی جرم در مطبوعات ایران جرائم علیه اشخاص بیشترین بازنمایی و جرائم اخلاقی کمترین بازنمایی را دارند.

به‌نظر می‌رسد محدودیت‌ها و معذوریت‌های اخلاقی و سیاسی موجود در نشریات و همچنین ملاحظات اخلاقی قربانیان این جرائم باعث می‌شود بازنمایی جرائم اخلاقی با فراوانی کمتری صورت پذیرد؛ به‌عبارت دیگر، افراد و به‌ویژه قربانیان تمایل اندکی به افشای اطلاعات مربوط به جرائم حساسی همچون تجاوز جنسی، کودک‌آزاری و... دارند و همین امر زمینه‌ساز وقوع کمابیش اندک آن‌ها در متون خبری می‌شود؛ همچنین در بازنمایی مجرمین در مطبوعات ایران، بازنمایی مجرم براساس جرم ارتكابی با (۶۲٪) بیشترین فراوانی و بازنمایی براساس جنسیت با (۱۵٪) رتبه دوم را به‌خود اختصاص داده است؛ همچنین بازنمایی برحسب سن با (۴٪) کمترین فراوانی را دارد. بازنمایی قربانی نیز در مطبوعات ایران بیشتر براساس جنسیت با (۳۱/۵٪) صورت پذیرفته‌است؛ همچنین رتبه دوم با (۲۰/۵٪) متعلق به بازنمایی براساس جرم است. در این میان، بازنمایی قربانی براساس شغل با (۴٪) کمترین فراوانی را دارد.

نکته شایان ذکر در بازنمایی مجرم و قربانی این است که دو مؤلفه پرتکرار در بازنمایی هر دو، بازنمایی براساس جرم و جنسیت است. به این شکل که در بازنمایی مجرم، تقدّم با بازنمایی جرم و درمورد قربانی تقدّم با بازنمایی جنسیت است. می‌توان دلایلی را برای این فراوانی بالا یا پایین بیان کرد. بار اطلاعاتی معرفی مجرم براساس جرم ارتكابی بی‌شک بیش از سایر مؤلفه‌ها است؛ به‌عبارت دیگر، ماهیت وجودی مجرم، به جرمی است که مرتکب شده است؛ بنابراین، از نظر معرفی مجرم، چندان دور از انتظار نیست که خبرنگار در اولین گام معرفی وی، به عملی که مرتکب شده (جرم ارتكابی) اشاره کند تا اینکه بخواهد برای مثال سن وی را بیان نماید.

ضمن اینکه ذائقه کنجکاو مخاطب نیز درباره مجرم، بیش از هر چیز به‌دنبال جرم ارتكابی (و شیوه انجام آن) است؛ زیرا هیجان و تکان‌دهندگی به‌احتمال بسیار زیاد نخست در این ویژگی یافت می‌شود و همین دلیل می‌تواند علت پایین‌تر بودن فراوانی مجرم براساس سن یا قربانی براساس شغل باشد؛ اما آنچه سبب بالابودن فراوانی مؤلفه جنسیت در بازنمایی قربانی و مجرم می‌شود، وجود گفتمان جنسیت‌گرا در جامعه ایران است. ایدئولوژی جنسیت‌گرا برای هر عمل و کنشی به‌دنبال مؤلفه جنسیت

و نقش هر جنس در تحقق آن کنش است. این گفتمان جنسیت‌گرایانه به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه در بازنمایی مجرم و قربانی نیز خود را نشان می‌دهد. به‌احتمال بسیار قوی، به‌دلیل قدرت‌مندبودن این گفتمان در جامعه، مخاطب به‌طور عمده منتظر مشاهده این مؤلفه درباره بازنمایی مجرم و قربانی است و این انتظار با اشاره خبرنگار به مشخصه مورد نظر برآورده می‌شود. درباره روابط فامیلی نیز می‌توان گفت ازآنجاکه رابطه فامیلی مجرم و قربانی برای خوانندگان اهمیت بسیاری دارد؛ ازاین‌رو، در بازنمایی آن‌ها در مطبوعات نیز به این امر توجه ویژه شده است.

منابع

- آسیایی، رؤیا (۱۳۹۵). تبیین جامعه‌شناسانه بازتاب جرم در مطبوعات. *مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی*، ۳ (۱)، ۱۱۱-۱۳۰.
- آقاگل‌زاده، فردوس؛ فائزه فرازنده‌پور و ارسلان گلفام (۱۳۸۹). تحلیل زبان‌شناختی آرای قضایی براساس الگوی خلاق: رویکرد حوزه زبان‌شناسی حقوقی. *جستارهای زبانی*، ۱ (۱)، ۱۱-۲۷.
- حبیبی، حسن (۱۳۷۴). زبان حقوقی. *نامه فرهنگستان*، ۱ (۱)، ۱۳-۳۷.
- داوودی ریسی، ماندانا (۱۳۸۴). تأثیر روابط قدرت بر ژانر دفاع کودکان بزه‌کار. پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد زبان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- درپر، مریم (۱۳۹۱). سبک‌شناسی انتقادی رویکردی نوین در بررسی سبک براساس تحلیل گفتمان انتقادی. *نقد ادبی*، ۵ (۱۷)، ۳۷-۶۲.
- (۱۳۹۲). بررسی ویژگی‌های سبکی داستان کوتاه «چشن فرخنده» از جلال آل‌احمد با رویکرد سبک‌شناسی انتقادی. *جستارهای زبانی*، ۴ (۱)، ۳۹-۶۳.
- (۱۳۹۳). لایه‌های مورد بررسی در سبک‌شناسی انتقادی داستان کوتاه و رمان. *جستارهای زبانی*، ۵ (۵)، ۶۵-۹۴.
- ریبعی، علی و فرناز احمدزاده نامور (۱۳۸۷). نظریه بازنمایی رسانه‌ای و تحلیل افکار عمومی متقابل آمریکایی‌ها و ایرانی‌ها. *دانش سیاسی*، ۴ (۲)، ۳۷-۶۲.
- سلطانی‌گردفرامرز، مهدی؛ همایون مرادخانی و علی‌اصغر اسماعیل‌زاده (۱۳۹۶). بساخت سینمایی جرم و مجرم‌ان در فیلم‌های ایرانی (سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۸۰). *مطالعات فرهنگ-ارتباطات*، ۱۸ (۳۷)، ۱۶۳-۱۹۱.
- فرجی‌ها، محمد (۱۳۸۵). بازتاب رسانه‌ای جرم. *رفاه اجتماعی*، ۶ (۲۲)، ۵۷-۸۶.
- و بهاره همت‌پور (۱۳۹۲). تحلیل نحوه بازنمایی بزه‌دیدگی زنان در روزنامه‌ها. *مجله جهانی رسانه*، ۱ (۱)، ۱-۲۰.

- مردیها، غلامرضا (۱۳۹۷). بازنمایی اخبار؛ تبیینی شناخت‌شناسانه. *مجله جهانی رسانه*، ۱۳ (۲)، ۲۲۸-۲۵۳.
- معینی‌فر، حشمت‌السادات (۱۳۸۸). بازنمای کلیشه‌های جنسیتی در رسانه: مطالعه موردی صفحه حوادث روزنامه همشهری. *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، ۲ (۷)، ۱۶۷-۱۹۷.
- مؤمنی، نگار (۱۳۸۹). زبان‌شناسی قانونی: بررسی شهادت در دادگاه با توجه به ویژگی‌های زبانی. *کارآگاه*، ۲ (۱۰)، ۶۰-۸۳.
- نامور فرگی، مجتبی؛ شهلا شریفی؛ محمدرضا پهلوان‌نژاد؛ اعظم استاجی و مهدی مشکات‌الدینی (۱۳۹۲). استفاده از الگوی طیف‌نگاشتی واکه‌ها به‌عنوان کلیدی برای بازشناسی حقوقی سخنگو. *جستارهای زبانی*، ۴ (۴)، ۱۹۵-۲۱۹.

References

- Adampa, V. (1999). *Reporting of a Violent Crime in Three Newspaper Articles. The Representation of the Female Victim and the Male Perpetrator and Their Actions: A Critical News Analysis*. University of Lancaster, Centre for Language in Social Life, Working Paper No 18. <http://www.ling.lancs.ac.uk/pubs/clsl/clsl108.pdf>.
- Baker, P. (2010). *Sociolinguistics and corpus linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Baldwin, J. & J. French (1990). *Forensic Phonetics*. London: Pinter.
- Butters, R. R. (2010). Trademark linguistics Trademarks: language that one owns. In: R. M. Coulthard & A. Johnson (Eds.), *The Routledge handbook of forensic linguistics* (pp. 379-392). London, England: Routledge.
- Foster, D. (2000). *Author Unknown: On the trail of Anonymous*. New York: Henry Holt.
- Finegan, E. (2010). Corpus linguistic approaches to “legal language”: adverbial expression of attitude and emphasis in Supreme Court opinions. In: R. M. Coulthard & A. Johnson (Eds.), *The Routledge handbook of forensic linguistics* (pp. 65-77). London, England: Routledge.
- Hollein, H. (1990). *The Acoustics of crime*. London: Plenum.
- (2001). *Forensic Voice Identification*. London: Academic Press.
- Johnstone, B. (2018). *Discourse analysis*. John Wiley and Sons.
- Jeffries, L. (2010). *Critical Stylistics. The Power of English*. Houndmills, Basingstoke: Palgrave: Macmillan.
- (2014). Critical stylistics. In: M. Burke (Eds.), *The Routledge Handbook of Stylistics* (pp. 408-420). Millbank: Routledge. DOI: 10.4324/9781315795331.
- Kersta, L. G. (1962). Voiceprint Identification. *Nature*, 196 (4861), 1253 -1257.
- McMenamin, G. R. (2002). *Forensic Linguistics: Advances in Forensic Stylistics*. USA: CRC Press LLC.
- Norgaard, N., B. Busse & R. Montoro (2010). *Key Terms in Stylistics*. London & New York: Continuum.
- Parton, N. & P. O’Byrne (2000). *Constructive Social Work: Towards a New Practice*. Houndmills: Macmillan Press.
- Santaemilia, J. & S. Maruenda (2014). The linguistic representation of gender violence in

- (written) media discourse: The term 'woman' in Spanish contemporary newspapers. *Journal of Language Aggression and Conflict*, 2 (2), 249-273. DOI: 10.1075/jlac.2.2.04san.
- Shuy, R. (1997). Ten Unanswered Questions About Miranda. *International Journal of Speech, Language and the Law*, 4 (2), 175-196.
- Svartvick, J. (1968). *The Evans Statements: a case for forensic linguistics*. Gothenburg: University of Gothenburg Press.
- Tabbert, U. (2015). *Crime and Corpus: The linguistic representation of crime in the press*. Amsterdam / Philadelphia: John Benjamins.
- (2016). *Language and Crime: Constructing Offenders and Victims in Newspaper Reports*. UK: Palgrave Macmillan.
- Tirsma, P. M. & L. M. Solan (2012). *The Oxford Handbook of Language and Law*. Oxford University Press.
- Yasmin, M., A. Sohail & R. A. Mangrio (2015). Myths Broken or Sustained: Representation of Women Victims in Pakistani Media. *Open Journal of Social Sciences*, 3 (7), 209-219.





پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتمال جامع علوم انسانی